

آخرین باری که کاری را برای اولین بار انجام دادی کی بود؟

به جعبه دست بزن

ست گادین

ترجمه‌ی صدف حکیمی زاده



موضوع: آثار ادبیات داستانی / نثر / ناول / نثر عامه
شابک: 978-600-8237-40-0
ISBN: 978-600-8237-40-0

در مورد این کتاب و دیگر کتاب‌ها به وبسایت www.gadine.com مراجعه کنید. این کتاب در دسترس است و می‌توانید آن را از فروشگاه‌های اینترنتی و کتابخانه‌ها خریداری کنید. این کتاب در دسترس است و می‌توانید آن را از فروشگاه‌های اینترنتی و کتابخانه‌ها خریداری کنید.

پیشگفتار مترجم

«این کتاب مثل دو مُشت متوالی است! نیمی از آن تنبیه است و نیم دیگر تشویق!»

- استیون پرسفیلد، نویسنده‌ی جنگ هنر -

اگر از رؤیایپردازی راضی هستید، شاید به این کتاب نیاز نداشته باشید. رؤیایپردازی صرفاً به درد زندگی واقعی نمی‌خورد.

اگر از وضعیت فعلی لذت می‌برید، حتی فکر خواندن این کتاب را هم نکنید. این کتاب برای کسانی است که قصد پیشرفت دارند.

اگر به این راضی هستید که منتظر بمانید تا موفقیت، شما را پیدا کند، لطفاً این کتاب را زمین بگذارید و یک کتاب دیگر پیدا کنید. موفقیت با پاهای خود در خانه‌ی شما سبز نمی‌شود. اگر واقعاً به دنبالش هستید باید تلاش کنید.

بعد از دیدن نام کتاب، اولین پرسشی که به ذهن می‌رسد این است: «منظور از جعبه چیست؟». ست گادین در طول کتاب توضیح می‌دهد که منظور، جعبه‌ی بازر است. بازر قطعه‌ای الکترونیکی، ساده و مولد صدا است که صدایی شبیه بوق تولید می‌کند. با زدن هر دکمه صدایی تولید می‌شود یا چراغی روشن می‌شود. برای بچه‌ها، جعبه‌ی بازر بسیار هیجان‌انگیز و غیرقابل پیش‌بینی است. درست مانند زندگی. درست مانند زندگی که پر از اتفاقات جدید و غافلگیرکننده است و نباید از آنها واهمه داشت. باید ترس را کنار گذاشت، جلو رفت و به جعبه‌ی زندگی دست زد.

چرا «به جعبه دست بزن» این قدر محبوبیت پیدا کرده است؟

چون کتابی است که خوانندگانش را به انجام دادن کاری که از آن وحشت دارند، تشویق می‌کند.

شاید شما هم به آن نیاز داشته باشید...

«صدف حکیمی زاده - بهار ۱۳۹۷»

متبرک

آنی داوونز^۱ در انجمن موکا^۲ کار می‌کند، سازمانی غیرانتفاعی در نشویل^۳ که با موسیقی دانانی که تور برگزار می‌کنند همکاری دارد و از این طریق برای کشورهای در حال توسعه پول جمع می‌کند.

سال گذشته او با مدیرش تماس گرفت و حرفی زد که قبلاً هرگز نکرده بود. «یک ایده‌ی جدید دارم و می‌خواهم از فردا روی آن کار کنم. خیلی زمان‌بر نیست و هزینه‌ی بالایی هم نمی‌برد و فکر می‌کنم نتیجه‌ی خوبی بدهد».

آنی با این دو جمله زندگی‌اش را متحول کرد. سازمانی که برایش کار می‌کرد و افرادی را که این سازمان به آن‌ها خدمت می‌کرد نیز متحول کرد. حتماً دوست دارید بدانید ایده‌اش چه بود. شاید حتی کنجکاو باشید بدانید چطور آن را عملی کرد. اما این سؤال درستی نیست.

تغییری که صورت گرفت در شیوه‌ی کارش بود. برای اولین بار، آنی منتظر دستور نماند، از روی دستورالعمل کار نکرد یا به وظایفی که به او محول می‌شود واکنش نشان نداد. منتظر نماند تا کاری بر عهده‌ی او بگذارند، بلکه خودش دست به کار شد.

آنی آن روز بر مانعی غلبه کرد. او تبدیل به فردی شد که خودش شروع می‌کند، وارد عمل می‌شود، کسی که برای ایجاد تغییر اگر لازم باشد حاضر است شکست هم بخورد.

نوبت شما

تصور کنید هیچ دلال، ناشر، مدیر یا منابع انسانی در دنیا وجود نداشت؛ هیچ کس نبود که بگوید بعضی کارها را اجازه ندارید انجام دهید.

اگر در چنین دنیایی زندگی می‌کردید، چه کار می‌کردید؟

خب، بروید و همان کارها را انجام دهید.

1. Annie Downs

2. Mocha

3. Nashville